

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

آسیب شناسی کاربردهای قرآنی مآخذ را در بحث نفس در کتاب
«الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية»

استاد راهنما

دکتر سحر کاوندی

استاد مشاور

دکتر مریم خوشدل روحانی

پژوهشگر

معصومه رستم خانی

پاییز ۱۳۸۹

تقدیم به ساحت نورانی حضرت ولیّ عصر (عجلّ الله تعالی فرجه الشریف)

امید است که در محضر حضرتش مقبول گردد.

تشکر و قدردانی

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

سپاس خدای مهربانی را سزاست که عشق به آموختن را در نهاد هر انسانی آفرید و به او آموخت آنچه را که نمی دانست؛ او که فروتنی در برابر معلم را بر هر انسانی فریضه نمود.

از پدر و مادر مهربانم و برادران عزیزم که همواره در طول دوران تحصیل از محبت و حمایت سرشار ایشان بهره مند بوده ام، صمیمانه سپاسگزارم و منت دار الطاف ایشان هستم.

از استاد فرزانه و گرانقدرم، سرکار خانم دکتر کاوندی که توفیقاتم را در طول دوران دانشجویی، مرهون الطاف ایشان هستم و در طی مراحل تدوین پایان نامه، از راهنمایی های دقیق و عالمانه ایشان بهره های فراوان برده ام، کمال تشکر و امتنان را دارم. همچنین از استاد گرامی ام، سرکار خانم دکتر روحانی که مشاوره این پایان نامه را بر عهده گرفته اند، سپاسگزارم و همچنین تشکر ویژه می نمایم از استاد بزرگوار، جناب آقای اوجاقلو که در طول مراحل تدوین این پایان نامه، نظرات دقیق و عالمانه ایشان، در غنا بخشیدن به آن، نقش برجسته ای را ایفا نموده است.

از اساتید محترم ممتحن، سرکار خانم دکتر کمالی زاده و جناب آقای دکتر جاهد بی نهایت سپاسگزارم.

جای دارد که از دیگر اساتید محترم گروه و نیز کارشناس محترم گروه، سرکار خانم دوستی و دوستان مهربانم و همکلاسی های گرامی ام تشکر نمایم.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات و مبانی نظری.....	۵
۱-۱- واژه شناسی.....	۸
۱-۱-۱- تفسیر.....	۸
معنای لغوی.....	۸
معنای اصطلاحی.....	۹
۱-۱-۲- تأویل.....	۱۰
معنای لغوی.....	۱۰
معنای اصطلاحی.....	۱۰
معانی تأویل در قرآن.....	۱۰
انواع تأویل.....	۱۱
۱-۳- تفاوت تفسیر و تأویل.....	۱۲
۲-۱- روش های تفسیر قرآن.....	۱۶
۱-۲-۱- تفسیر نقلی.....	۱۷
۲-۲-۱- تفسیر قرآن به قرآن.....	۱۹
۳-۲-۱- تفسیر اجتهادی.....	۲۱
۴-۲-۱- تفسیر عرفانی.....	۲۲

۲۴	۳-۱- تفسیر قرآن در مکتب مآصدرا.....
۲۸	۴-۱- روش تفسیری مآصدرا.....
۳۳	۵-۱- معنای تأویل از نظر مآصدرا.....
۳۵	۶-۱- چگونه می شود یک فیلسوف به آیات قرآن استناد کند؟.....
۳۸	فصل دوم: واکاوی آیات به کار برده شده توسط مآصدرا.....
۳۹	۱-۲- انواع کاربردهای قرآنی مآصدرا در بحث نفس.....
۴۲	۲-۲- آیاتی که مآصدرا آنها را بر اساس آراء و اندیشه های فلسفی خود تفسیر یا تأویل می کند.....
۴۳	۱-۲-۲- آیات تفسیر شده.....
۴۳	۱-۱-۲-۲- «لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» و «أَكْلُهَا دَائِمٌ».....
۴۴	۱-۱-۱-۲-۲- «لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا».....
۴۷	۲-۱-۱-۲-۲- «أَكْلُهَا دَائِمٌ».....
۴۹	۲-۱-۲-۲- «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» و «يَا لَيْتَنَا نُرْدُ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ».....
۵۰	۱-۲-۱-۲-۲- «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا».....
۵۱	۲-۲-۱-۲-۲- «يَا لَيْتَنَا نُرْدُ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ».....
۵۳	۲-۲-۲- آیات تأویل شده.....
۵۳	۱-۲-۲-۲- «نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ*الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ» و «مُؤَصَّدَةٌ*فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ».....
۵۶	۲-۲-۲-۲- «وَأَنْوَا النُّبُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا».....
۵۸	۳-۲- آیاتی که مآصدرا در اثبات نظرات خود، به عنوان دلیل نقلی به آنها استدلال می نماید.....
۵۹	۱-۳-۲- غفلت اکثر مردم از دگرگونی لحظه به لحظه ذات انسان.....
۶۲	۲-۳-۲- هر قوه ای از قوای نفس، دارای قوه ای است.....

- ۲-۳-۳- شناخت نفس انسان و محاسبه آن، صراط مستقیم الهی است..... ۶۵
- ۲-۳-۴- نحوه مباشرت نفس فلک در حرکت..... ۶۸
- ۲-۳-۴-۱- «فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ»..... ۶۹
- ۲-۳-۴-۲- «عَلَى سُرُرٍ مُّوضُوئَةٍ* مُّكَيِّنَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ* يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ* بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ»..... ۷۰
- ۲-۳-۵- هر حیوانی فرشته ای دارد که به او الهام می کند..... ۷۴
- معنای لغوی وحی..... ۷۴
- معنای وحی به زنبور عسل در این آیه..... ۷۴
- ۲-۴- آیاتی که ملاصدرا به عنوان شاهد، در تأیید سخنان خود به آنها استشهد می کند..... ۷۶**
- ۲-۴-۱- تناسخ..... ۷۷
- ۲-۴-۱-۱- تناسخ به معنای دوّم..... ۷۹
- ۲-۴-۱-۱-۱- «وَوَحَّيْنَاهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ»..... ۷۹
- ۲-۴-۱-۱-۲- «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ»..... ۸۰
- ۲-۴-۱-۱-۳- «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»..... ۸۲
- ۲-۴-۱-۱-۴- «قَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا»..... ۸۴
- ۲-۴-۱-۱-۵- «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»..... ۸۵
- ۲-۴-۱-۲- تناسخ به معنای سوّم..... ۸۸
- ۲-۴-۲- تجرّد نفس ناطقه..... ۹۱
- ۲-۴-۲-۱- «وَوَفَّيْتُنِي فِيهِ مِنْ رُوْحِي»..... ۹۱
- ۲-۴-۲-۲- «وَوَكَلَّمْنَاهُ فَلَمَّا دَلَّهَا إِلَىٰ رَبِّهَا وَمَا أَبْصَرَتْ»..... ۹۴
- ۲-۴-۲-۳- «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»..... ۹۶
- ۲-۴-۲-۴- «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضَ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ»..... ۹۹

- ۱۰۱-۲-۴-۵- «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»..... ۱۰۱
- ۱۰۳-۲-۴-۶- «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ»..... ۱۰۳
- ۱۰۵-۲-۴-۷- «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ* إِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»..... ۱۰۵
- ۱۰۹-۳-۴-۳- تبدلات و استکمالات جوهری نفس انسانی..... ۱۰۹
- ۱-۳-۴-۲- «هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا* إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا»..... ۱۰۹
- ۲-۳-۴-۲- «وَقَدْ خَلَقْنَاكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا»..... ۱۱۲
- ۴-۴-۲- دگرگونی انسان در هر لحظه، در ذات خود..... ۱۱۳
- ۱-۴-۴-۲- «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»..... ۱۱۳
- ۲-۴-۴-۲- «إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ»..... ۱۱۴
- ۳-۴-۴-۲- «إِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ»..... ۱۱۵
- ۴-۴-۴-۲- «وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا»..... ۱۱۶
- ۵-۴-۲- مدرک نبودن نفس، در صورت عاری بودن از نور عقل..... ۱۱۷
- ۶-۴-۲- وجود سدّ بین نفس و صور علمی مانعی در ادراک آنها است..... ۱۱۹
- ۱-۶-۴-۲- «وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ»..... ۱۱۹
- ۲-۶-۴-۲- «وَ جَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِن خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهْمَ لَا يُبْصِرُونَ»..... ۱۲۱
- ۷-۴-۲- مجمع البحرین بودن نفس نسبت به عالم جسمانی و عالم عقلانی..... ۱۲۴
- ۸-۴-۲- بقای نفسی که در مرتبه ای دون مرتبه عقلانی قرار دارد..... ۱۲۹
- ۹-۴-۲- منشأ سرور و لذت نفس ناطقه انسانی..... ۱۳۳
- ۱۰-۴-۲- کمال انسان در نشأه دوّم است..... ۱۳۴
- ۱۱-۴-۲- منشأیّت عقل عملی اهل بهشت برای نعمات بهشتی..... ۱۳۷
- ۱-۱۱-۴-۲- «وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ»..... ۱۳۸
- ۲-۱۱-۴-۲- «فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلُدُّ الْأَعْيُنَ»..... ۱۳۸

۱۴۰	۲-۴-۱۲- در تأیید سخن انبازنفس.....
۱۴۰	۲-۴-۱۲-۱- «بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ».....
۱۴۱	۲-۴-۱۲-۲- «فَطَبَعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ».....
۱۴۳	۲-۴-۱۳- شرافت و برتری اجرام فلکی.....
۱۴۳	معانی لغوی عرش.....
۱۴۳	معنای لغوی استواء.....
۱۴۴	منظور از عرش خدا و استوای او بر آن و وجه بیان الرحمن در این آیه.....
۱۴۶	۲-۵- آیاتی که مآخذ را به طور ضمنی در طیّ مباحث خود به کار می برد.....
۱۴۶	۲-۵-۱- منشأ بودن عقل عملی اهل شقاوت در عذاب اخروی.....
۱۴۷	۲-۵-۲- علت شکّ و تردید در جوهریتّ نفس.....
۱۴۸	۲-۵-۳- شناخت نفس انسان.....
۱۴۹	۲-۵-۴- حشر نفوس بر صورت صفات غالب بر آنها.....
۱۵۰	۲-۵-۵- اجرام عنصری.....
۱۵۰	۲-۵-۶- مقایسه صورّ علمی با امور مادی.....
۱۵۱	۲-۵-۷- در موانع نفس در ادراک صورّ علمی.....
۱۵۲	۲-۵-۸- نفس انسان قابلیت ادراک همه صورّ های عالم وجود را دارد.....
۱۵۳	نتیجه گیری.....
۱۵۹	فهرست منابع و مأخذ.....
۱۵۹	منابع عربی.....
۱۶۲	منابع فارسی.....
۱۶۶	چکیده انگلیسی.....

چکیده

در فلسفه صدرالمتألهین که برهان و عرفان در هم آمیخته و در رسیدن به حقیقت هماهنگ گشته اند، قرآن کریم از جایگاه برجسته ای برخوردار است. وی در آثار خویش، از جمله «الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة العقلیة»، «أسرار الآیات و أنوار البینات»، «مفاتیح الغیب» و دیگر آثار، آیات قرآن را با اهداف و مقاصد گوناگونی به کار برده است. بی شک، در برداشت و فهم وی از آیات قرآن، اندیشه های عرفانی و فلسفی او نقش قابل توجهی دارند؛ به گونه ای که گاه موجب شده اند که وی معنای دقیق تری را از قرآن برداشت کند و گاه او را از معنا و مقصود قرآن دور کرده اند.

یکی از کتاب هایی که ملاًصدرا در آن، از آیات قرآنی استفاده نموده است، کتاب «الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة» می باشد، که از آخرین آثار وی و مشتمل بر آخرین آراء اوست. وی در این کتاب، مانند بسیاری از دیگر آثارش، به دفعات به آیات قرآن استناد نموده است که با نگاهی گذرا در این کتاب، این امر به روشنی قابل مشاهده است.

در پژوهش حاضر، کاربردهای آیات قرآن توسط صدرالمتألهین در یکی از مشاهد پنجگانه این کتاب، تحت عنوان مشهد سوّم، که به بحث پیرامون نفس می پردازد، مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است. بدین منظور، کاربردهای آیات در این مبحث، در چهار قسم دسته بندی شد: آیاتی که وی به تفسیر و نیز تأویل آنها پرداخته است، آیاتی که در اثبات مطالب خود به آنها استدلال نموده است، آیاتی که در تأیید نظرات خود به آنها استشهاد کرده است، و آیاتی که صرفاً به طور ضمنی در طیّ مباحث خود به کار برده است. سه دسته نخست، با تفسیر آنها در تفاسیر عمده قرآنی مقایسه گردیده است تا روشن شود که آیا به کارگیری این آیات در آن مواضع و استفاده از معنای مورد نظر ملاًصدرا، با تفسیر آنها در این تفاسیر همخوانی دارد یا نه؟ تنها فرضیّه بحث این است که چنین همخوانی وجود دارد. در این پژوهش، برای نخستین بار است که کاربردهای صدر از آیات قرآن، با تفاسیر قرآنی مقایسه گردیده است، چنین کاری تاکنون بی سابقه بوده است. نتیجه این مقایسه این است که در بسیاری از موارد، چنین همخوانی وجود ندارد و ملاًصدرا در این آیات، برداشتی مغایر و متفاوت از دیگران ارائه داده است؛ در این موارد، آراء و پیش فرض های فلسفی او سبب شده اند که فهم او از این آیات با ظواهر آنها مغایر و ناسازگار باشد و به نظر می رسد که

وی در این موارد مرتکب تفسیر به رأی شده است. همچنین در برخی از موارد، برداشت او از آیات تنها با تفسیر آنها در برخی از تفاسیر عمده، موافق و سازگار است. و سرانجام در برخی دیگر، نه تنها بین برداشت او از آیات و تفسیر آنها در همه تفاسیر عمده همخوانی وجود دارد، بلکه در این موارد وی به کمک آراء و اندیشه های فلسفی خود، توانسته است برداشت واضح و دقیقتری را از این آیات ارائه دهد.

کلید واژه: ملاصدرا، تفسیر، آیات قرآن، نفس.

مقدمه

قرآن کریم، کلام خدا و معجزه جاوید آخرین فرستاده الهی است که توسط روح الامین، بر قلب بهترین بندگان خداوند و خاتم پیامبران نازل گردید. کتابی که به فرموده خداوند در آیه شریفه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲)، هدایت کننده و راهنمای پرهیزگاران است و به فرموده پیامبر اکرم (ص)، تمسک به آن، انسان را از ضلالت و گمراهی رهایی می بخشد. فصاحت و شیوایی بی نظیرش، ادیبان جهان را در اعصار گوناگون، متحیر ساخته است، و معارف والا و مضامین عالی و بلندش، هر فطرت حقیقت طلب و خداجو را به سوی خویش جذب می نماید. کتابی که انسان را از غوطه ور شدن در مرداب جهل و نادانی برحذر داشته و به سوی اقیانوس بیکران علم و خرد ورزی رهنمون می گردد.

این کتاب آسمانی، در عین دارا بودن از مضامین بلند و معارف عمیق، به گونه ای است که هر شخصی با هر درجه از علم و بینش، می تواند به اندازه فهم و درک خود، از معارف و معانی آن بهره مند گردد؛ به همین دلیل و دلایل متعدد دیگر، در میان مسلمانان از منزلت و جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد. قرآن، نه تنها در میان عامه مسلمانان، بلکه در میان عالمان و دانشمندان اسلامی، به ویژه فلاسفه مسلمان و حکیمان متأله جایگاه برجسته ای دارد. با مطالعه آثار و اندیشه های این اشخاص، می توان دریافت که آنها تا چه حد، در آراء و اندیشه های خود، متأثر از کلام وحی هستند.

شاید در میان فیلسوفان، متکلمان و سایر اندیشمندان اسلامی، کمتر کسی را بتوان یافت که مانند حکیم ملاصدرای شیرازی، متأثر از قرآن و معارف ناب آن بوده و تا به این حد، به آیات قرآن مراجعه کرده باشد. وی بنیانگذار حکمت متعالیه و واضع روش نوینی در اندیشه های فلسفی در حوزه فلسفه اسلامی است. او حکمت های مشاء و اشراق و نیز عرفان را بر اساس مبانی خاص خود و به شیوه ای جدید و نو با یکدیگر تلفیق نمود و آنها

را با قرآن هماهنگ و همسو نمود. از نظر او، برهان، عرفان و قرآن، هر سه از یک حقیقت سخن می‌گویند و لذا میان آنها تعارض و ناسازگاری وجود ندارد. وی با این اندیشه، به سراغ فلسفه، عرفان و تفسیر قرآن رفته است. با مطالعه آثار متعدد و گوناگون او، روشن می‌گردد که وی میان اندیشه‌های فلسفی و عرفانی خود و مبانی قرآن، تطبیق و همصدایی برقرار کرده است. کتب تفسیری او، سرشار از مبانی فلسفی و عرفانی بوده و در مقابل، وی سراسر آثار عقلی و حکمی خود را مزین به آیات قرآنی نموده است.

یکی از کتاب‌هایی که وی در آن، از آیات قرآن در سطح گسترده‌ای استفاده نموده است، کتاب «الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية» است. وی در این کتاب، در میان مباحث مختلف به آیات قرآن استناد نموده است. یکی از این مباحث، بحث نفس است که مشهود سوم از مشاهد پنجگانه این کتاب، به آن اختصاص یافته است. وی قریب به شصت آیه قرآن را در میان مباحث مربوط به نفس و با اهداف و مقاصد گوناگون به کار برده است. از آنجایی که وی با آراء و اندیشه‌های عرفانی، فلسفی، کلامی و سایر اندیشه‌های خود، فهم و درک خاصی را از این آیات ارائه داده است، لذا می‌بایست، این برداشت‌ها با تفسیر آنها در تفاسیر عمده قرآنی مقایسه شود تا روشن گردد که آیا بکارگیری این آیات در آن مواضع و استفاده از معنای مورد نظر ملاصدرا، با تفسیر آنها در این تفاسیر همخوانی دارد یا نه؟

بنابراین تنها پرسش این پژوهش این است که آیا کاربرد ملاصدرا از آیات قرآن در بحث نفس در کتاب «الشواهد الربوبية»، با تفسیر آن آیات در تفاسیر عمده شیعه و اهل سنت همخوانی دارد؟ و تنها فرضیه آن، این است که کاربرد ملاصدرا از آیات قرآن در بحث نفس در کتاب «الشواهد الربوبية»، با تفسیر آن آیات در تفاسیر عمده شیعه و اهل سنت همخوانی دارد.

در این پژوهش برای واکاوی این مسئله و پاسخ به این پرسش، روش خاصی را در پیش گرفته ایم و آن، روش توصیفی از طریق تحلیل اسنادی است.

پژوهش حاضر، در دو فصل تنظیم شده است:

فصل اول، به کلیات و مبانی نظری می‌پردازد و خود شامل شش بخش است: بخش اول، به بیان معانی واژه‌های تفسیر و تأویل و بیان تفاوت آن دو می‌پردازد. در بخش دوم، روش‌های مختلف تفسیری از جمله تفسیر نقلی، قرآن به قرآن، اجتهادی و عرفانی مطرح

گردیده و مورد تحلیل و نقد قرار می گیرند. بخش سوم این فصل، به تفسیر قرآن در مکتب صدرا اختصاص دارد و در این بخش، جایگاه قرآن در فلسفه او و گرایش تفسیری او مطرح می گردد و بخش بعدی فصل، به روش ملاصدرا در تفسیر قرآن و نظرات وی در این باره اشاره می کند. در بخش پنجم، معنای تأویل را از دیدگاه ملاصدرا بیان خواهیم نمود و در بخش پایانی فصل، در صدد هستیم که به این پرسش مقدر پاسخ دهیم که چگونه یک فیلسوف می تواند به آیات قرآن استناد کند.

فصل دوم به واکاوی آیات به کار برده شده در مبحث نفس توسط صدرا می پردازد. این فصل شامل پنج بخش است. در بخش نخست، انواع مختلف این کاربردها بیان می شود. این کاربردها چهار دسته اند و شامل تفسیر و یا تأویل مستقیم آیات، استدلال، استشهاد و استفاده ضمنی^۱ می شوند. هر یک از این کاربردها، یک بخش را به خود اختصاص داده اند. همچنین، فهرست تفاسیری که می بایست در این پژوهش به آنها مراجعه نماییم، در بخش اول این فصل آمده است.

^۱ . درباره این عبارات، در جای خود به صورت واضح تر صحبت خواهیم نمود.

فصل اوّل

کلیّات و مبانی نظری

- واژه شناسی
- روش های تفسیر قرآن
- تفسیر قرآن در مکتب مآصدرا
- روش تفسیری مآصدرا
- معنای تأویل از نظر مآصدرا
- چگونه می شود یک فیلسوف به آیات قرآن استناد کند؟

تفسیر قرآن با آغاز وحی و پس از نزول پاره ای از آیات قرآن شروع شد. با آغاز پرسش‌ها درباره آیات قرآن و پاسخ پیامبر اکرم(ص) به آن‌ها و شرح آیات قرآن توسط وی، نخستین مراحل تفسیر قرآن پا به عرصه وجود گذاشت. در واقع، نخستین مفسر و شارح قرآن، خود پیامبر(ص) و سپس اهل بیت ایشان بودند. در صدر اسلام، اعراب مسلمان در فهم معانی قرآن اشکالی نداشتند. اگر هم مشکلی پیش می‌آمد، از پیامبر سؤال می‌کردند و مشکل رفع می‌شد. به علاوه، آنها در مورد مسائلی مثل معاد جسمانی، علم خدا و نظایر آن، اندیشه نمی‌فرسودند و از آنجا که هنوز، علوم و فرهنگ سایر تمدن‌ها، در میان مسلمانان نفوذ نکرده بود، شبهات و سؤالات متعدّد متناسب با آن نیز، در جامعه اسلامی عرضه نمی‌شد.

پس از پیامبر (ص) و علی رغم تعیین و معرفی جانشینان ایشان و میبّان و مفسران حقیقی قرآن [یعنی اهل بیت پیامبر(ص)] از سوی خدا و توسط پیامبرش، ارتباط مسلمانان با این منبع حقیقی و راستین وحی گسسته شد و معارف والای قرآنی، دستخوش تفاسیر گوناگونی گردید. طی چند قرن، مکاتب متعدّد کلامی، فلسفی، عرفانی و تصوّف تشکیل شد و هر يك، به گروه‌ها و فرقه‌هایی منشعب شدند و با دیدگاه خاص خود به تفسیر قرآن پرداختند و از آن، در تأیید مبانی خویش سود جستند. در کنار این مکاتب، دیدگاه‌های علمی، اجتماعی و سیاسی نیز، وارد تفسیر شد.

همه این عوامل و عوامل متعدّد دیگر، دست بدست هم دادند و مکاتب متعدّد و روش‌های گوناگون تفسیری را به وجود آوردند. تفاسیری که هر يك، به زعم خود پنداشته‌اند که به فهم و درک عمیق و حقیقی از قرآن نایل گشته و مقصود کلام الهی را بیان نموده‌اند.

در این فصل تلاش می‌کنیم تا ضمن بیان نکاتی درباره تفسیر و تأویل، به برخی از این روش‌ها پرداخته و آنها را به نقد کشانیم. همچنین در ادامه فصل، درباره تفسیر قرآن در مکتب ملاصدرا و روش تفسیری وی نیز صحبت خواهیم نمود، و در ادامه، معنای تأویل را از دیدگاه وی بیان می‌نماییم، و در پایان فصل بیان می‌کنیم که چگونه می‌شود که یک فیلسوف مثل ملاصدرا، به آیات قرآن استناد کند و اساساً آیا چنین کاری درست است یا نه؟

۱-۱

واژه شناسی

۱-۱-۱- تفسیر

معنای لغوی: تفسیر، مصدر باب تفعیل از ماده فُسْر است. از نظر برخی از لغت شناسان، معنای تفسیر، مانند فسر بوده (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج: ۳: ۴۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۵: ۵۵)، و عده ای آن را مبالغه معنای فسر دانسته اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۳۶؛ فیومی، بی تا، ج: ۲: ۴۷۲؛ قرشی، ۱۳۷۱ش، ج: ۵: ۱۷۵). طریحی در کتاب مجمع البحرین، واژه فسر را جدا شده از سَفَر و مقلوب آن می داند (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج: ۳: ۴۳۷). از نظر لغت شناسان، این دو واژه، به لحاظ لفظی و معنایی قریب یکدیگرند؛ با این تفاوت که فسر، بیشتر در مورد اظهار معقول و آشکار کردن مطالب علمی و غیر محسوس به کار می رود و سفر، برای آشکار نمودن اعیان و اشیای خارجی و محسوس به منظور دیدن است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۳۶؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج: ۳: ۴۳۸ و ۴۳۷).

برای واژه تفسیر، معانی متعددی را نظیر بیان و کشف، اظهار معنای معقول، تبیین، ایضاح، کشف مراد از لفظ مشکل و کشف معنای لفظ و اظهار آن برشمرده اند (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۳۶؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج: ۳: ۴۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۵: ۵۵؛ فیومی، بی تا، ج: ۲: ۴۷۲؛ قرشی، ۱۳۷۱ش، ج: ۵: ۱۷۵).

معنای اصطلاحی: کلمه تفسیر، در قرآن، تنها یک بار به کار رفته است، و مورد استعمال آن، این آیه است: «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا»^۱ (فرقان: ۳۳).

گرچه تفسیر مفهومی عام داشته و در علوم مختلف به کار رفته است و به معنای روشن ساختن هر چیزی، اعم از مفاهیم الفاظ و غیر آن می باشد؛ اما با گذشت زمان، در علوم اسلامی به قرآن اختصاص یافته است.

در برخی تفاسیر و دیگر آثار علوم قرآنی، تعاریف مختلفی برای این واژه بیان شده است، و ما چند نمونه از این تعاریف را ذکر می کنیم:

زرکشی تفسیر را اینگونه تعریف می کند:

تفسیر، علمی است که با آن کتاب خداوند که بر پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله و سلم (فرستاده است) فهمیده می شود، و بیان معانی و استخراج احکام و حکمت‌های آن انجام می گردد، و کمک آن علم لغت و نحو و صرف و علم بیان و اصول فقه و قراءات می باشد، و به شناختن اسباب نزول و ناسخ و منسوخ نیاز دارد (سیوطی، ۱۳۶۳ش، ج ۲: ۵۵۲).

در تفسیر مجمع البیان آمده است: «تفسیر، روشن کردن مراد از لفظ است» (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ج ۱: ۳۹). صاحب کتاب البیان فی تفسیر القرآن معتقد است که تفسیر، آشکار کردن مراد خدای تعالی از کتاب عزیز او است (خویی، بی تا: ۳۹۷)، و در تفسیر المیزان چنین بیان شده است: «تفسیر، بیان معانی آیات قرآنی، و کشف مقاصد و مدالیل آن است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۷).

^۱ . و برای تو مثلی نیاوردند، مگر آنکه [ما] حق را با نیکوترین بیان برای تو آوریم.